



آشنایی با عقائد اسلامی

درس ۷

استاد: حجت الاسلام و المسلمین حسین تهرانی

معادشناسی

مقدمه

همه ادیان آسمانی از زندگی پس از مرگ خبر داده‌اند و بر این اتفاق دارند که جهان سرانجامی دارد که روز جزا و محکمه الهی است. از جمله اصول اعتقادی دین اسلام نیز، اعتقاد به معاد و روز بازپسین است که قرآن کریم و پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله) و امامان معصوم (علیهم السلام) به صورت قطعی از آن سخن گفته‌اند. مسلمانان با یقین به وحی الهی، معاد را از وعده‌های حتمی خداوند می‌دانند و بر این باورند که وعده او تخلف نمی‌پذیرد و بی‌گمان، روزی قیامت فرا می‌رسد و میزان عدل الهی بر پا می‌شود و به حساب خلائق رسیدگی می‌گردد.

اعتقاد به معاد از نظر اهمیت، پس از اصل توحید جای دارد. هدف اصلی پیامبران، آگاه ساختن مردم از مبدأ و معاد است. پیوند معاد با زندگی دنیا انکارناپذیر است. کسی که معاد را باور نکند، از دین اسلام بیرون است و حکم مسلمانی بر او جاری نیست.

معاد

معاد از ماده «عود» گرفته شده که به لحاظ لغت، به معنای بازگشتن است؛

«إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَادُّكَ إِلَيَّ مَعَادٌ»؛ بی‌تردید، همان کسی که تلاوت و تبلیغ و عمل به این قرآن را به تو واجب نموده است، حتماً تو را به جایگاه و زادگاه اصلی‌ات (مکه)، باز می‌گرداند. در این آیه، معنای لغوی معاد، «بازگشت» می‌باشد.

معنای اصطلاحی معاد نیز در میان متکلمان، بازگشت نهایی انسان به سوی مبدأ نخستین خود یا همان خدا می‌باشد. در این تعریف، واژه معاد، معنای عمیقی دارد؛ چون علاوه بر این که بیان گر حیات انسان پس از مرگ و استمرار هستی پس از خروج از عالم طبیعت است، به حرکت صعودی انسان به سوی مبدأ خویش اشاره می‌کند و بیان می‌دارد که سرانجام انسان به سوی خداوند باز می‌گردد.

بنابراین، در بسیاری از روایات پیامبر (صلی الله علیه وآله) و اهل بیت (علیهم السلام)، از معاد به عنوان بازگشت به سوی خداوند یاد شده است؛

«فَإِنِّي أَوْصِيكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ الَّتِي ابْتَدَأَ خَلْقَكُمْ وَإِلَيْهِ يَكُونُ مَعَادُكُمْ»؛ همانا شما را به ترس از خدا سفارش می‌کنم، خدایی که خلقت شما را آغاز کرد و به سوی او باز خواهید گشت.

۱. قصص / ۸۵.

۲. نهج البلاغه، خطبه ۱۹۸.

همه انسان‌هایی که به دنیا آمده و رفته‌اند و از این پس می‌آیند و مدتی زندگی می‌کنند و می‌روند، در جهان دیگری زنده شده و در دادگاه عدل الهی حاضر می‌شوند تا به پاداش و کیفر اعمال خود برسند. حیات انسان با مرگ، در سرای دیگری آغاز می‌شود تا نیکان و صالحان، از سعادت ابدی و نعمت‌های اخروی بهره‌مند و بدکاران نیز گرفتار عذاب الهی شوند. از این رو، معصومین (علیهم‌السلام)، در دعا‌های خود بیان می‌دارند:

«إِلَهِي أَصْلِحْ لِي آخِرَتِي الَّتِي إِلَيْهَا مَعَادِي»؟ خدایا، آخرت مرا که بازگشت من به سوی آن است، اصلاح فرما.

البته باید دانست که معاد، تنها مربوط به انسان نیست، بلکه معاد به معنای بازگشت همه موجودات هستی به سوی خداست.

اهمیت و ضرورت معاد

قرآن کریم در آیات زیادی، به دلایل ضرورت معاد اشاره کرده است که نخستین آن، عبث بودن دنیا بدون معاد می‌باشد. زندگی دنیا نمی‌تواند هدف نهایی آفرینش انسان باشد، چرا که دنیا، حیاتی موقت، کوتاه و آکنده از مشکلات و سختی‌هاست که سرانجام آن نیز، نابودی است؛ اگر حیات انسان محدود به زندگی دنیوی بود، خلقت او بدون هدف و عبث می‌شد.

«أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ»؟ آیا پنداشتید که شما را بیهوده آفریده‌ایم و به نزد ما بازگردانده نمی‌شوید؟».

این آیه قرآن کریم، بر برهان حکمت تأکید دارد که خدای متعال، حکیم و بی‌نیاز مطلق است و هیچ کار لغو و بیهوده‌ای انجام نمی‌دهد؛ آفرینش او بی‌دلیل نیست و آفرینش هر موجودی را، به گونه‌ای قرار داده که به کمال مطلوب برسد. از این رو، نظام آفرینش، نظامی است که بهتر و بی‌نقص‌تر از آن، قابل تصور نیست.

انسان دارای روحی ماندگار است که می‌تواند به کمالات جاودانه برسد؛ اگر شرایط و بستر زندگی و کمالات ابدی برای انسان فراهم نباشد، آفرینش او لغو و بیهوده خواهد بود. کسی که اعتقاد به معاد نداشته باشد، از خود می‌پرسد، چه لزومی دارد که انسان مدتی در این دنیا زندگی کند، تا بخواهد از خامی به پختگی برسد، برف پیری بر سر او بنشیند و عمر تمام شود. آیا این آسمان بی‌کران، این زمین پهناور، این همه نعمت، این همه تحصیل علم و اندوختن تجربه و همه و همه برای خوردن، نوشیدن، پوشیدن و گذراندن این زندگی تکراری است؟

این عدم اعتقاد به معاد، برخی از افراد را به پوچی و سردرگمی می‌رساند؛ در حالی که اگر انسان باور داشته باشد که دنیا، مزرعه آخرت و کشت‌زاری برای بذرافشانی است و محصول آن در زندگی جاودانه به کار می‌آید، در این صورت، زندگی دنیا نه‌تنها پوچ و بی‌معنا نخواهد بود، بلکه مقدمه‌ای برای زندگی جاودانه است.

عدل الهی و ضرورت وجود معاد

دلیل دیگر ضرورت وجود معاد؛ اقتضای عدل الهی است؛ در این دنیا نیکوکاران و تبهکاران در یک صف قرار گرفته و به صورت یکسان از نعمت‌های دنیا بهره‌مند می‌شوند و گاهی نیز بیشتر آن نصیب تبهکاران می‌گردد، در حالی که عدل الهی

ایجاب می‌کند که این‌ها از هم جدا شده و هر یک به سزای اعمالشان برسند که با توجه به عدل الهی و از سوی دیگر، به ظهور نرسیدن آن (عدل در غالب سزا و جزا دادن)، در دنیا، باید در جهان دیگری این امر واقع شود. «أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ اجْتَرَحُوا السَّيِّئَاتِ أَنْ نَجْعَلَهُمْ كَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَوَاءً مَحْيَاهُمْ وَمَمَاتُهُمْ سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ»؛ آیا کسانی که مرتکب زشتی‌ها و گناهان شده‌اند گمان کردند که آن‌ها را همانند کسانی که ایمان آورده و عمل صالح انجام دادند، قرار می‌دهیم و حیات و مماتشان یکسان خواهد بود؟ چه بد، داوری می‌کنند.

با مطالعه تاریخ به حاکمان ظالمی برخورد می‌کنیم که از شکنجه کردن و شنیدن ناله و فریاد مظلومان، لذت می‌بردند و ناله و فریاد انسان‌های بی‌پناه در آتش سوزان و زیر شکنجه‌ها را، بهترین موسیقی می‌دانستند. البته در مقابل، شخصیت‌های بزرگی چون امیرمؤمنان (علیه السلام)، نیز وجود دارند که می‌فرمایند: «به خدا سوگند، اگر سلطنت روی زمین را به من بدهند که به یک مورچه ضعیف، ظلم کنم، هرگز حاضر نخواهم شد».

«أَفَنَجْعَلُ الْمُسْلِمِينَ كَالْمُجْرِمِينَ، مَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ؟» آیا ما فردی که تسلیم و وظیفه‌شناس است را با آدم جنایت‌کار، مجرم و قانون‌شکن، یکسان قرار می‌دهیم؟ شما چگونه داوری می‌کنید؟

شکی نیست که رسیدن به کیفر و پاداش، در این دنیا به طور کامل امکان ندارد؛ دنیا، محل اختیار و آزادی عمل است و اگر هر کسی که تخلفی می‌کند، بلافاصله سزای عملش را ببیند، حیات بشری ادامه پیدا نخواهد کرد و هیچ‌کس به دنبال بدی‌ها نمی‌رود؛ در نتیجه، اختیار عمل از انسان‌ها گرفته می‌شود.

«وَلَوْ يُؤَاخِذُ اللَّهُ النَّاسَ بِظُلْمِهِمْ مَا تَرَكَ عَلَيْهَا مِنْ دَابَّةٍ وَلَكِنْ يُؤَخِّرُهُمْ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى»؛ و اگر خداوند مردم را به خاطر ظلمشان مؤاخذه می‌کرد، هیچ جنبنده‌ای بر روی زمین باقی نمی‌ماند، خداوند زود کیفر نمی‌دهد، بلکه تا مدتی که خودش می‌داند، به آن‌ها مهلت داده و کیفر آن‌ها را به تأخیر می‌اندازد.

بنابراین عدالت خداوند، اقتضا می‌کند که عالم دیگری غیر از عالم دنیا وجود داشته باشد تا به اعمال خوب و بد افراد رسیدگی شود.

«إِلَيْهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعاً وَعَدَ اللَّهُ حَقًّا إِنَّهُ يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ لِيَجْزِيَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ بِالْقِسْطِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا لَهُمْ شَرَابٌ مِنْ حَمِيمٍ وَعَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ»؛ بازگشت همه به سوی خداست؛ این وعده حق خداوند بوده که آفرینش را آغاز کرده و سپس به سوی خود بر می‌گرداند تا آن‌هایی که ایمان آورده و عمل صالح انجام داده‌اند، بر اساس عدالت خود، پاداش داده و برای کسانی که کافر شدند، شرابی از مایع سوزان و عذابی دردناک قرار دهد.

رحمت الهی و ضرورت وجود معاد

دلیل دیگر اثبات ضرورت وجود معاد، رحمت الهی است. خداوند دارای رحمت بی‌پایان و گسترده است و این رحمت بی‌کران ایجاب می‌کند که فیض الهی با مرگ انسان پایان نپذیرد و بهره‌مندی انسان‌های صالح و مؤمن از نعمت‌های الهی، هم‌چنان ادامه یابد.

«كَتَبَ عَلَىٰ نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ لِيَجْمَعَ كُفُوكُمْ إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ»؛ او رحمت بر بندگان را بر خود واجب و مقرر فرموده و مسلماً شما را در روز قیامت که شکی در آن نیست، گرد می‌آورد.



آیات فراوانی در قرآن کریم، درباره آثار و برکات ایمان، عمل صالح و نعمات خداوند به صالحان است، نشان از رحمت و لطف خداوند می‌باشد.

«وَعَدَ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَمَسَاكِنَ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتِ عَدْنٍ وَرِضْوَانٌ مِنَ اللَّهِ أَكْبَرُ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ»؛^۱ خداوند به مردان و زنان با ایمان، بهشت‌هایی که از پای درختانش نهرها جاری است و آن‌ها همیشه در آن‌جا خواهند بود و نیز خانه‌هایی پاکیزه در بهشت‌های جاودان را وعده فرموده است و البته خشنودی و رضوان خداوند، از همه این‌ها بزرگ‌تر است، این همان کامیابی بزرگ است.

امام سجاد(علیه‌السلام) در توضیح این آیه می‌فرمایند: آن‌گاه که اولیای خدا وارد بهشت می‌شوند، از جانب خداوند خطاب می‌آید: می‌خواهید از پاداش و لذتی برتر از آن‌چه در اختیار داشتید، شما را آگاه کنیم؟ آن‌ها با شگفتی می‌گویند: پروردگارا، کدام پاداش برتر از آن چیزهایی است که در اختیار داریم؟ باز خداوند همان خطاب را تکرار فرموده و بندگان بهشتی می‌گویند: خدایا ما را از آن آگاه ساز. خطاب می‌آید که بالاترین لذت‌ها، خشنودی من از شما و محبت و دوستی من به شماست که از همه نعمت‌های بهشتی برتر و بهتر است. آن‌گاه اهل بهشت این سخن را تصدیق کرده و اقرار می‌کنند که خشنودی و محبت خدا گوارتر از همه لذت‌هاست.

«إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَنَهَرٍ فِي مَقْعَدِ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِكٍ مُقْتَدِرٍ»؛^۲ افراد با تقوا در باغ‌های بهشت و نهرها و در جایگاه صدق(جایگاهی که لغو، کذب و خلافتی در آن نیست و جایگاهی عالی و پسندیده است)، در پیشگاه خداوند، زندگی می‌کنند.

آثار اعتقاد به معاد

یکی از مهم‌ترین و مؤثرترین عوامل وارستگی انسان، یاد مرگ و قیامت است. کسی که مرگ، روز حساب و کیفر و پاداش اعمال را فراموش نکند، وارسته و پارسا است. انسان معتقد به معاد می‌داند که دنیا، سرای گذر است و باید از این سرا، برای خود توشه جمع‌آوری کند، از این‌رو اعمال خود را بر اساس رضای خدا و دستورات الهی انجام می‌دهد. در طرف مقابل، انسانی که مرگ و قیامت را فراموش کند، اعمالش را، از روی هوس و شهوت انجام می‌دهد؛ از این‌رو، قرآن، فراموشی قیامت را زمینه انحراف و گمراهی بشر می‌داند؛

«إِنَّ الَّذِينَ يَضِلُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ بِمَا نَسُوا يَوْمَ الْحِسَابِ»؛^۳ بی‌تردید، کسانی که از راه خدا منحرف می‌شوند، به خاطر این است که روز حساب را فراموش کرده‌اند و گرفتار عذاب سختی خواهند شد.

قرآن یکی از بهترین اوصاف انبیای الهی را متذکر بودن آن‌ها به قیامت معرفی می‌کند؛

«وَأَذْكُرْ عِبَادَنَا إِبْرَاهِيمَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ أُولَى الْأَيْدِي وَالْأَبْصَارِ، إِنَّا أَخْلَصْنَاهُمْ بِخَالِصَةٍ ذِكْرَى الدَّارِ، وَإِنَّهُمْ عِنْدَنَا لَمِنَ الْمُصْطَفَيْنَ الْأَخْيَارِ»^{۱۵} و به یادآور بندگان ما، ابراهیم و اسحاق و یعقوب را که در عبودیت و بندگی خدا، صاحبان قوت و بصیرت بودند. ما آن‌ها را به صفت خاص آخرت‌اندیشی (یاد آخرت و قیامت) ویژگی بخشیدیم و آن‌ها در پیشگاه ما قطعاً از برگزیدگان و نیکانند.

خداوند در این آیات دلیل عظمت انبیا(علیهم‌السلام) را، وارستگی آن‌ها به واسطه یاد قیامت معرفی می‌کند.

امیرالمؤمنان(علیه‌السلام) در این باره می‌فرماید:

«به خدا سوگند، اگر شب‌ها را تا صبح، به جای بستر نرم، به نوک خارهای جان‌گداز و گزنده به سر برم، یا روزها دست و پایم در زنجیره باشد و در کوچه و بازار بکشانند، از آن خوش‌تر دارم که خدا و پیامبرش را در روز قیامت ملاقات کنم، در حالی که ستمی بر بنده‌ای از بندگان خدا کرده باشم و یا حق کسی را غصب نموده باشم»^{۱۴}

کسی که مرگ را در پیش روی خود می‌بیند، همواره نگران است که مبادا در انجام وظیفه کوتاهی کرده باشد. او همواره آماده حیات ابدی بوده و در این عرصه نگران است؛ البته، این نگرانی، سازنده و موجب خودسازی می‌شود.

حضرت علی(علیه‌السلام) بیان می‌دارند: «خدا شما را بیمارزد؛ وسایل فردا را آماده کنید که ندای کوچ کردن در میان شما سر داده شده است؛ لذا، توقف خود را در دنیا کوتاه شمارید»^{۱۵}.

از امیرمؤمنان(علیه‌السلام) سؤال شد: «مَا الْإِسْتِعْدَادُ لِلْمَوْتِ؟»؛ آمادگی برای مرگ چیست؟ حضرت فرمودند:

«أَدَاءُ الْفَرَائِضِ وَاجْتِنَابُ الْمَحَارِمِ وَالِاسْتِمَالُ عَلَى الْمَكَارِمِ»؛ واجبات را ادا کردن، از گناهان دوری نمودن و به مکارم اخلاق، تخلق یافتن.^{۱۶}

جهان هستی، دارای خالق است که با شعور، علم، قدرت و اراده، نظامی را بر اساس حکمت و عدالت برپا نموده است و همه از سوی او آمده و به سوی او بازخواهند گشت.

هدف این خلقت، سیر الی‌الله است و دنیا نیز پلی برای رسیدن به عالم جاودانه آخرت می‌باشد که هر که این مسیر را درست طی کند، به حیات طیبه، نعمات و رحمت الهی دست می‌یابد. راه درست این مسیر نیز توسط انبیای الهی و ائمه معصوم(علیهم‌السلام)، در اختیار انسان‌ها قرار داده شده است و خودشان نیز الگویی عالی در این مسیر هستند.

اگر انسان‌ها، ولایت آن‌ها را، به درستی بپذیرند و به سخنان ایشان به خوبی عمل کنند، زندگی رضایت‌بخشی را برای خود فراهم خواهند کرد، که هم خدا از آن‌ها راضی است و هم آن‌ها از خدا راضی هستند.

ای دوست به عشق تو دچاریم همه در یاد رخ تو، داغداریم همه
 گر دور کنی یا بپذیری ما را در کوی غم تو پایداریم همه^{۱۷}
 در هیچ دلی نیست به جز تو، هوسی ما را نبود به غیر تو، دادرسی
 کس نیست که عشق تو ندارد در دل باشد که به فریاد دل ما برسی^{۱۸}

چکیده

- معاد از ماده «عود» و در لغت، به معنای بازگشتن است.
- معنای اصطلاحی معاد نیز، بازگشت نهایی انسان به سوی مبدأ نخستین خود یا همان خدا می‌باشد. در این تعریف، واژه معاد، علاوه بر این که بیان گر حیات انسان پس از مرگ و استمرار هستی پس از خروج از عالم طبیعت است، به حرکت صعودی انسان به سوی مبدأ خویش اشاره می‌کند.
- دلایل ضرورت معاد، عبارتند از: الف) عبث بودن دنیا بدون معاد؛ ب) عدل الهی؛ ج) رحمت الهی.
- از مؤثرترین عوامل وارستگی انسان، یاد مرگ و قیامت است.
- انسانی که مرگ و قیامت را فراموش کند، اعمالش را از روی هوس و شهوت انجام می‌دهد؛ از این رو، قرآن، فراموشی قیامت را زمینه انحراف و گمراهی بشر می‌داند.
- هدف این خلقت، سیر الی الله است و دنیا نیز پلی برای رسیدن به عالم جاودانه آخرت است که انتهای این مسیر، حیات طیبه و نعمات و رحمت الهی است.